

جلد
سیزدهم

روزگار و انقلاب اسلامی

مجموعه کوشش میرزا باقر علیان‌نژاد
ویراستار: سید محمدصادق فیض



www.ketab.ir



ساختار مجسمه ملی: واژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه
چاپ اول: ۱۳۹۳
شمارگان: ۲۵۰
قیمت: ۱۰۰
شابک دوره: ۷-۸۶۳-۵۰۶-۸۰۰
شابک: ۹-۵۷۲-۷۵-۷۸۸
نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به تایید رسمی از ناشر است.

سرشناسه: علیان نژاد، میرزا باقر و داوود...
عنوان و نام پدیدآور: روزنامه انقلاب اسلامی
میرزا باقر علیان نژاد.

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص - ج.

فروست: دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، تحقیق: ۲۸.

شابک دوره: 7-964-506-863-978

ج: 13-9-572-600-978

یادداشت: ص. ع. به انگلیسی:

Chronology of the Islamic revolution.

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ --

سالشمار

شناسه افزوده: علیان نژاد، باقر، گردآورنده

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری. دفتر

ادبیات انقلاب اسلامی

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده بندی کنگره: ۹۱۳۷۷/۸/۱۵۵۶ DSR

رده بندی دیویی: ۹۴۵/۰۸۳۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۸-۶۵۱۲

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۳
ضدوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴
تلفن: ۶۱۹۴۲
سامانه پیامک: ۳۰۰۵۳۱۹
تلفن مرکز بختی (بج خط): ۶۶۴۶۰۹۹۳
فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱
www.soremehr.ir

فهرست

۷	 اشاره
۹	 مقدمه
۲۱	 یکشنبه ۱ بهمن ۱۳۵۷ / ۲۲ صفر ۱۳۹۹ / ۲۱ ژانویه ۱۹۷۹
۱۱۵	 دوشنبه ۲ بهمن ۱۳۵۷ / ۲۳ صفر ۱۳۹۹ / ۲۲ ژانویه ۱۹۷۹
۲۲۶	 سه‌شنبه ۳ بهمن ۱۳۵۷ / ۲۴ صفر ۱۳۹۹ / ۲۳ ژانویه ۱۹۷۹
۳۱۴	 چهارشنبه ۴ بهمن ۱۳۵۷ / ۲۵ صفر ۱۳۹۹ / ۲۴ ژانویه ۱۹۷۹
۳۹۳	 فهرست اعلام

اشاره

در تاریخ معاصر ایران حادثه‌ای به اهمیت وقوع انقلاب اسلامی وجود ندارد. پدیده انقلاب اسلامی را نمی‌توان فقط جابه‌جایی قدرت در میان حاکمان دانست؛ حادثه‌ای که فقط سلسله‌ای سقوط کند و بنای جدیدی بر آن قلدردی دیگر بدهد. تاثیر شگرف این انقلاب بر مناسبات فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی مردم ایران، در تاریخ این سرزمین بی‌نظیر است؛ ورود مردم به صحنه سیاست و دخالت مستقیم آنان برای زیر کشیدن نظام شاهنشاهی، برقراری نظام جمهوری اسلامی و دیگر نهادهای حکومتی با مردم، دست آوردن استقلال و نفی دخالت قدرتهای بزرگ در امور کشور، رسیدن به آزادیهای سیاسی و مدنی، و جان فشانی آنان برای حفظ انقلاب اسلامی.

با شکل‌گیری دفتر ادبیات انقلاب اسلامی و پروژه هنری واحد تدوین تاریخ انقلاب اسلامی با همکاری گروهی از پژوهشگران، تدوین *روزشمار انقلاب اسلامی* را آغاز کرد.

روزشمار انقلاب اسلامی مجموعه‌ای است که گزارش توصیفی وقایع انقلاب اسلامی از اول فروردین ۱۳۵۶ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ می‌پردازد. منابع آن روشنفکران شامل نشریات همان دوره (۱۳۵۶-۱۳۵۷) می‌شود، مثل روزنامه‌های *کیهان*، *اطلاعات*، *آفتاب* و *نشریات* بعد از انقلاب که به آن دوره پرداخته بودند. کتابهای همان دوره و بعد از انقلاب اسلامی در رابطه با تحولات این دوره زمانی در داخل و خارج از کشور منتشر شدند نیز شناسایی شدند. علاوه بر این بولتن‌های محرمانه خبرگزاری پارس و بولتن محرمانه رادیو و تلویزیون ملی ایران، اسناد دولتی، شهرتانی و ژاندارمری و فرمانداری‌های مناطق مختلف و خاطرات اشخاص به این مجموعه اضافه شد. برای انعکاس نگاه خارجیان به انقلاب اسلامی، مطالب برخی از کتابها و نشریاتی هم اضافه شد. *نیوزویک*، *لوموند*، *اشیپگل* و... نیز پس از گزینش و ترجمه، فیش برداری و به بانک اطلاعات افزوده شد. در مجموع از بیش از دویست نشریه داخلی و خارجی و بیش از ۱۵۰۰ کتاب چاپ داخل و خارج کشور فیش برداری شد که حاصل آن بانک اطلاعاتی با حدود ۲۲۰ هزار فیش شامل اخبار آشکار و پنهان این دوره از تاریخ معاصر ایران است.

در تهیه منابع فوق از مراکزی هم چون کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتابخانه وزارت امور خارجه، کتابخانه

حوزه هنری، کتابخانه تخصصی انقلاب اسلامی و تاریخ معاصر ایران، سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی، آرشیو موسسه اطلاعات، مرکز آمار و اطلاعات بنیاد شهید و امور ایثارگران، آرشیو واحدهای تدوین تاریخ انقلاب اسلامی، ترجمه و پژوهش در منابع خارجی، فرهنگ ناموران معاصر ایران، تاریخ شفاهی (دفتر ادبیات انقلاب اسلامی) و ... یاری گرفته‌ایم.

در ابتدای خبرهای هر روز، تاریخ شمسی، قمری و میلادی ذکر شده و در ادامه، عناوین اخبار آمده و پیش از آن نیز متن اخبار قرار گرفته است. در پانوشتها نیز علاوه بر ذکر منبع هر خبر، برخی اخبار را اشخاص، احزاب، سازمان‌ها و ... گویا سازی شده است.

از ویژگی‌های روزشمار انقلاب اسلامی که آن را از دیگر کتابهای مشابه متمایز می‌کند می‌توان به این موارد اشاره کرد:

مقطع زمانی: ۱۳۵۷/۱۱/۲۲ - ۱۳۵۷/۱۱/۲۲؛ در این مقطع شاهد اوج‌گیری انقلاب اسلامی هستیم که پنج بخش توزیع در این دوره امور کشور را در عهده تصدی خود داشتند، تعداد مجلدات: حدود هجده جلد، منابع غنی و گسترده و دست اول شامل بیش از ۲۲۰ هزار فیش از منابعی هم‌چون نشریات و روزنامه‌های داخلی و خارجی، بولتن محرمانه خبرگزاری پارس، بولتن محرمانه، اسناد ساواک، آرشیو ریاستی، فرمانداریهای نظامی، خاطرات و ...، نگارش زندگی‌نامه اشخاص، معرفی احزاب، سازمانها، اماکن و ... در پانوشتها و مصور بودن به تصاویر اشخاص، اماکن، تظاهرات، اسناد، پوسترها، نشریات داخلی و خارجی.

کتاب حاضر (جلد سیزدهم) به تحولات سیاسی کشور ایران طی روزهای اول تا چهارم بهمن ۱۳۵۷ می‌پردازد. این کتاب حاصل تلاش شمار زیادی از پژوهشگران است که سالها با واحد تدوین تاریخ انقلاب اسلامی در بخشهای مختلف همکاری داشته‌اند. بدین وسیله از آنان بویژه: علی محمد آزاده، احمد رضا امیری سامانی، صفری جعفر پور، محمدعلی بیگلری، علی رضا دانا، حسین رضایی، سیدمسعود روشن بخش، فرهاد ساسانی، احمد سروش نژاد، سعادت، محسن غنی‌یاری، مهرنوش کاظمی، محمد کریمی، جعفر گلشن روغنی، رنوف جعفری، محمد مهدی موسی‌خان، عبدالله متولی، حسین نصیری، عباس واضح، محمدعلی یساقی سپاه‌خزری می‌شود.

جلد سیزدهم روزشمار انقلاب اسلامی با کارشناسی هدایت‌الله بهیودی، توسط میرزاباقر علیان‌نژاد تنظیم و نگارش شده، و سیدمحمدصادق فیض ویرایش آن را به عهده داشته است.

دفتر ادبیات انقلاب اسلامی

مقدمه

تحولات گسترده سیاسی ایران در بهمن ماه ۱۳۵۷ به حدی بود که مجلد سیزدهم روزشمار انقلاب اسلامی به چهار روز اول بهمن اختصاص یافت. در این مجلد به تحولاتی نظیر انعکاس گسترده سخنان و نگاه امام خمینی و حوادث انقلاب در رسانه‌های داخلی و خارجی، استعفای سید جلال الدین میرانی از ریاست شورای سلطنت، اعلام بازگشت امام خمینی به ایران، تشکیل «کمیته استقبال» در ایران، برپایی جلسات شورای انقلاب اسلامی، گسترش مبارزات مردمی و فعالیت روحانیون سیاسی، آزادی برخی از زندانیان سیاسی، پیوستن گروهی از نظامیان به مردم، ارایه لوایح انحلال حکومت و تقیب نخست‌وزیران و وزیران سابق از سوی شاپور بختیار به مجلس شورای ملی، برپایی «آهوان طوفان» قانون اساسی با حضور برخی نظامیان و خانواده‌هایشان، تسخیر برخی مراکز دیپلماتیک و شورای در خارج کشور توسط دانشجویان مبارز، اقدامات امریکا در مقابله با انقلاب و ... پرداخته شده است.

تحولات گسترده این دوره زمانی چهار روزه را می‌توان در محور اصلی بررسی کرد:

الف) جبهه مبارزه:

۱- رهبری انقلاب اسلامی: امام خمینی در دوره زمانی این تلویزیون بهمن ۱۳۵۷، دو سخنرانی، سه مصاحبه، دو گفتگو کردند و یک پیام فرستادند. رهبر انقلاب اسلامی در این فعالیتها به موضوعات مختلفی پرداختند که در سه جهت اصلی متمرکز بود:

اول، رهبری مردم در داخل کشور: امام خمینی در اول بهمن ۱۳۵۷، وحدت کلمه را منشأ قدرت و پیروزی اعلام کردند [و فرمودند شما دیدید که در اثر وحدت کلمه در جامعه ملی، تمام کنگره‌های قصر شاه فرو ریخت. امام خمینی تأکید کردند علت پیروزی ملت ایران تاکنون وحدت کلمه و لله بودن در مبارزات بوده است. ایشان توصیه کردند که حزب‌بازی و جبهه‌بازی و آخوند و دانشگاهی کنار گذاشته شود و همه با هم باشند: یدالله مع الجماعة و تا کوتاه شدن دست اجانب از کشور همه با هم باشند.

امام خمینی درباره نهضت ملت ایران فرمودند: این قیام شما چون یک بویی از الوهیت می‌داد، تا اینجا رسیده است که قدرتهای بشری را زیر پا گذاشت. یعنی مشیت غلبه کرد بر تانک، و اینها،

مشتهای جوانها و پیرها و زنهای ما در مقابلش ایستادند و گفت که دیگر اثر ندارد. چرا اثر ندارد؟ برای اینکه لگه است مگر با خدا می شود معارضا کرد؟ این کار خدایی است، لگه است، برای خداست. همه این دعویهایی که اینها داشتند پیچید و کنار گذاشت.

خبرنگار تلویزیون فرانسه در سوم بهمن ۱۳۵۷ با امام خمینی مصاحبه کرد. او در اولین سؤال از امام خمینی پرسید: «منظورتان در یکی از سخنرانیهایی که قدرت را از راه قانون به دست می گیریم چیست؟» رهبر انقلاب اسلامی در پاسخ فرمودند: «برای تغییر رژیم، فشار افکار عمومی به معنی قانون است. ما به استناد همین قانون، قدرت را به دست می گیریم و حکومت را مستقر می کنیم.»

دوم، پذیرش استعفای رئیس شورای سلطنت و اعلام بازگشت به ایران: سیدجلال الدین تهرانی که در ۱۸ شهریور با دیدار با امام خمینی راهی پاریس شده بود، در اول بهمن ۱۳۵۷ در نامه ای استعفای خود را از شورای سلطنت اعلام کرد و این شورا را غیرقانونی خواند.

بختیار این روزها در تلاش برای جلوگیری از سفر امام خمینی به ایران است. در حالی که شاه از ایران رفته و ارتش در حال از هم گسیختگی بود، و فرودگاهها به منظور جلوگیری از بازگشت امام خمینی به ایران، بسته شده بودند. بختیار برای تحکیم موقعیت متزلزل به چانه زنی با اعضای شورای انقلاب روی آورد و اعضای شورای انقلاب نیز تلاش می کردند تا با مانورهای سیاسی و مذاکرات پشت پرده، بختیار را وادار به استعفاگیری نمایند. در چنین شرایطی، نمایندگان دولت فرانسه در دوم بهمن ۱۳۵۷ با پیامی از جانب بختیار به دیدار امام خمینی رفتند. پیغامی مبنی بر اینکه امام خمینی به ایران نیایند. بختیار گفته بود که ایران به ایران حمام خون به راه خواهد انداخت. اما امام خمینی با این مسئله مخالفت کردند.

رهبر انقلاب اسلامی در چهارم بهمن ۱۳۵۷ در جمع کارکنان آژانس خود در نوفل لوشاتو سخنرانی با عذرخواهی از همراهان خود فرمودند ما راهی ایران هستیم و من بیعتم را از شماها برداشتم و چون ممکن است در سفر خطری پیش بیاید من میل ندارم که شما را با خطر من خدای نخواستہ در خطر بيفتيد. من سبم ديگر گذشته، ولی شما جوان هستيد.

در همین حال به دنبال تهدیدهایی که اخیراً در پاریس نسبت به امام خمینی انجام شده است، پلیس فرانسه در تدابیر حفاظتی خود تجدیدنظر کرد و کسانی را که به دیدار امام خمینی می رفتند بازرسی بدنی می کرد و بر تعداد محافظان خانه امام خمینی افزود.

سوم، ویژگیهای حکومت اسلامی: رهبر انقلاب اسلامی، ضمن آنکه در سخنانی رژیم سلطنتی را خلاف قوانین عقلی دانستند، درباره ویژگیهای حکومت مطلوب فرمودند: ما امروز می خواهیم همه ملت را وارد در دولت کنیم. جدا نباشند. ما یک کسی را می خواهیم نه یک شیبه نزدیک، شیبه

بسیار دور، مثل حضرت امیر - سلام الله علیه - که زمان امارت شرعیه اش، خلافتش که این قدر طول و عرض داشت، حجاز و مصر و عراق و ایران و همه اینها را داشت، خودش راه می افتاد در خانه این زن و آن زن، بعد از اینکه خانه یک زنی رفته و دلجویی کرده به بچه ها... بعد کاری می کند که این بچه های کوچک بخندند. امام خمینی تاکید کردند که دیکتاتوری در اسلام اصلاً وجود ندارد.

امام خمینی در دوم بهمن ۱۳۵۷ در مصاحبه با نشریه ای ایتالیایی اعلام کردند که جمهوری اسلامی مورد نظرشان براساس بی طرفی کامل نسبت به ایالات متحده و شوروی عمل خواهد کرد. ایشان افزودند که هر بی طرفی و بی گویی به هر شکل و ماهیت به یکی از دو ابر قدرت به کلی مردود خواهد بود.

رمزی کلارک و ریچارد لیک که در اواسط دی ماه برای بررسی اوضاع ایران به تهران سفر کرده بودند، در راه بازگشت خود به آمریکا با وارد پاریس شدند و به نوفل لوشاتو رفتند. کلارک و فالک موفق به دیدار و گفت و گو با امام خمینی نشدند. رهبر انقلاب اسلامی در این دیدار فرمودند تشیع مظهر مقاومت و دفاع از حق بود. امام تشیع را امام علی (ع) در این دو کلمه خلاصه کرد: «نه تحمل ظلم بکن و نه ظالم باش».

۲- کمیته استقبال از امام: با حتمی شدن بازگشت امام خمینی، نیروهای انقلاب به منظور فراهم کردن مقدمات ورود امام خمینی به فکر سازماندهی امام افتاد و «کمیته استقبال از امام» را تشکیل دادند که مهم ترین وظیفه آن تهیه برنامه استقبال و برنامه ریزی برای اجرای آن بود که حساس ترین بخش آن، حفاظت از جان امام در فرودگاه و در طول مسیر حرکت و پس از فرودگاه مهرآباد تا بهشت زهرا بود.

نخستین جلسه ستاد مرکزی روز اول بهمن ۵۷ در مدرسه رفاه تشکیل و اولین جلسه آیت الله مرتضی مطهری به عنوان رئیس کمیته استقبال از امام خمینی برگزار شد. سپس شاخه ها و گروه های کاری کمیته شامل گروه های تبلیغات، انتظامات، تدارکات مالی، برنامه ریزی و تشریفات، برنامه ریزی داخلی و پذیرایی، روابط عمومی، اطلاعات، در ورودی و دو واحد به صورت واحد شهرستانها و واحد خبرنگاران داخلی و خارجی ترسیم و طراحی گردید.

این شاخه ها و گروه ها با وجود محدودیت زمانی به صورتی منسجم و متحد شروع به کار کردند و به تدارک مقدمات استقبال از امام پرداختند. محل استقرار کمیته، مدرسه رفاه بود که توسط هیئت امنای آن مدرسه، آقایان بهشتی، باهنر و هاشمی رفسنجانی در اختیار کمیته قرار گرفت.

۳- شورای انقلاب اسلامی: این شورا با برگزاری جلساتی علاوه بر اینکه در تدارک ورود امام

خمینی به ایران بود، تماسهایی نیز با شاپور بختیار برای گرفتن استعفایش برقرار کرده بود. از دیگر اقدامات این شورا رسیدگی به اساتذانه شورای انقلاب بود.

در جلسات قرار شد اعضا، اسامی افرادی را برای تصدی پستهای هم‌چون وزارت، معاونت وزیر، مدیر کلی و ریاست شرکتهای مهم در حکومت آینده استخراج کنند، با این شرط که افراد انتخابی نباید در ۲۵ سال گذشته در حکومت پهلوی متصدی پست حساسی بوده باشند.

۴- روحانیت و سیاسیون مخالف رژیم شاه: با نزدیک شدن زمان ورود امام خمینی به کشور، معتمدان حکومت پهلوی به فعالیتهای خود افزودند. در سوم بهمن ۱۳۵۷ آیت‌الله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی در تشریح روزکيهان سخنرانی کرد. آیت‌الله بهشتی در جمع کارکنان این مؤسسه با اشاره «فراگیر انقلاب مردم ایران گفت: «در این بخش بزرگ انقلابی که امروز همه جای کشور و همه سرهای مردم ما را فرا گرفته، نیاز مبرمی به حفظ همبستگی داریم و روی همه افشاگریها و روش پهلوی و همه آزادیها و جلوگیری از هر نوع جدایی افکنی و سوسه‌آمیز که در بنیان این نهضت عظیم، اثری ایجاد کند، تأکید می‌کنیم».

در سوم بهمن ۱۳۵۷ حضرات آباء شیخ‌بهاء‌الدین محلاتی و سیدعبدالحسین دستغیب ضمن صدور بیانیه‌هایی اظهارات بختیار را بر پای جامع روحانیت از دولت او را تکذیب کردند. روزنامه/اطلاعات در سوم بهمن ۱۳۵۷ با سرگشاده آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی خطاب به شاپور بختیار را با عنوان «دولت شما فقط یک عیب دارد!» منتشر کرد. آیت‌الله مکارم شیرازی در پایان نامه سرگشاده‌اش به شاپور بختیار نوشت: «به این نتیجه مسلم است و خودتان هم کم و بیش احساس کرده‌اید پایگاهی در میان مردم برای شما نداریم و همین است یک عیب شما!» در چهارم بهمن ۱۳۵۷ آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در مقاله‌ای در «تجدید» عنوان «ده اصل برای پیروزی انقلاب» که در روزنامه کیهان منتشر شد، نوشت که سهم هر گروه در انقلاب ایران باید محترم شمرده شود.

در چهارم بهمن ۱۳۵۷ خبرگزاری پارس از تکذیب حمایت ۹۰ درصدی ایالتی مردم از بختیار، از سوی آیت‌الله شیرازی خبر داد.

مهندس مهدی بازرگان در مصاحبه‌ای مطبوعاتی در سوم بهمن ۱۳۵۷ گفت الگویی که ما برای حکومت اسلامی در نظر داریم، دوران رسالت و رهبری سیاسی ده ساله حضرت محمد(ص) در مدینه و دوران پنج ساله امامت علی(ع) در کوفه است.

به گزارش خبرنگار کیهان بسیاری از ناظران سیاسی از بازرگان به عنوان نخست‌وزیر احتمالی آینده ایران نام می‌برند اما بازرگان در این کفرانس خبری تأکید کرد که تاکنون هیچ اشاره رسمی از

طرف آیت‌الله خمینی و یا مقام دیگری نسبت به نخست‌وزیری او نشده است. در این روزها در دانشگاهها، مساجد، ادارات و ... مراسم سخنرانی توسط افراد مختلف با گرایشهای مذهبی، ملی، چپی و ... برپا می‌شد.

در مخالفت‌های مردم: به دنبال اعلام خبر ورود امام خمینی به ایران در جمعه هفته آینده (۶ بهمن ۱۳۵۷)، در همه شهرها مردم به شادی و سرور پرداختند. در پاره‌ای از شهرها نیز مردم خیابانها را چراغانی کردند. اما در این روزها برخی گروه‌های چپی نیز چند تظاهرات مستقل برپا کردند. در شب اول بهمن ۱۳۵۷ در تهران تظاهراتی برگزار کردند. در همین روز بیش از پنجاه‌هزار نفر از مردم شهر از دروازه‌های دانشگاهی دانشسرای راهنمایی تحصیلی این شهر شرکت کردند. در مراسم بازگشایی در سکوهای ساورزی ساری، سرود «خمینی ای امام» پخش شد.

در دوم بهمن ۱۳۵۷ تهران شاهد تظاهرات پراکنده در برخی نقاط بود. در تظاهرات این روز در برخی نقاط نظامیان به سوی مردم آتش می‌باریدند و سه نفر شهید شدند. خبرنگار روزنامه کیهان نیز در خبری با عنوان «تظاهرات شبانه قتل‌خوار» بیش از سیصد هزار نفر از مردم قسم هر شب در خیابانهای این شهر دست به تظاهرات می‌زدند. این تظاهرات هر شب از ساعت ۱۰ شب شروع و تا ساعت ۲ بامداد ادامه دارد و با وجود این که ساعات منع عبور و مرور در قسم از ساعت ۱۱ شب است، اما مأمورین انتظامی ممانعتی از حرکت تظاهرکنندگان نمی‌کنند. اما تظاهرات در رضائیه (ارومیه) به درگیری مسلحانه منجر شد. در این شهر اندک ناگهانی مأموران انتظامی به سوی مردم گروهی از مردم شهید شدند و حتی دو گلوله توپ به مسجد اعظم رضائیه اصابت کرد. در همین حال گروه منصورون با انتشار اعلامیه‌ای از اعدام انقلابی محمد محمود عیوقی - رئیس گارد دانشگاه جندی شاپور اهواز - در دوم بهمن ۱۳۵۷ خبر داد.

در سوم بهمن ۱۳۵۷ در بسیاری از شهرهای کشور تظاهرات برپا بود. در مراسم اربعین بیست نفر از شهدا با حضور هزاران نفر برپا شد.

در چهارم بهمن ۱۳۵۷ روزنامه اطلاعات از تهران گزارش داد که از بامداد این روز گویا زیادی از مردم پایتخت به دعوت کمیته هماهنگی هوایمایی ملی و سازمان هوایمایی کشوری علی‌رغم اعلامیه فرمانداری نظامی تهران مبنی بر جلوگیری از ورود مردم به محوطه فرودگاه مهرآباد به سمت این فرودگاه حرکت کردند. در همین روز ارتش از همدان گزارش داد هزار نفر در مسجد جامع این شهر اجتماع کردند. در این اجتماع همبستگی پرسنل پایگاه شاهرخی با انقلاب اعلام شد و مردم نیز ضمن تبریک این همبستگی پس از خروج از مسجد به طرفداری از پرسنل پایگاه شاهرخی شعار دادند. ساواک قصر شیرین نیز در چهارم بهمن با ارسال خبری به ریاست سازمان

اطلاعات و امنیت کشور نوشت: «توسط کتابفروشی علمی واقع در خیابان شاهپور شهرستان قصرشیرین فتوکی اسکناسهای مصلح به عکس خمینی به اهالی فروخته می‌شود که یک برگ فتوکی ۱۰۰۰ ریالی به بیوست تقدیم می‌گردد».

با توجه به نزدیک شدن زمان ورود امام خمینی به ایران، برخی از هنرمندان در زمینه‌های مختلف برای استقبال از ایشان دست به کار شدند. علاوه بر آنکه گروهی به نقاشی تصاویری از امام خمینی پرداختند، گروهی نیز شعر سرودند. در اول بهمن ۱۳۵۷ در برخی نقاط ایران شعری از بهمن معینی کرمانشاهی (ترانه‌سرا) در دو صفحه پشت و رو با عنوان «تقدیم به مجاهد کبیر امام خمینی» تویین شد. در دوم بهمن ۱۳۵۷ روزنامه/اطلاعات با انتشار شعری از حسین الهامی با عنوان «...» دست به استقبال ورود امام خمینی رفت. در چهارم بهمن ۱۳۵۷ نیز پورسید حق‌شناس (مخلص) شعری با عنوان «پیام صبح» سرود. در همین روز، روزنامه کیهان نیز شعری با عنوان «...» از مهدی اخوان ثالث (م. امید) منتشر کرد.

۶- نظامیان پیوسته به اطراب اسلامی: در تظاهرات مردم در نقاط مختلف کشور شاهد همراهی برخی از نظامیان با مردم بودیم. پیرامون این نظامیان در گزارشهای مراکز نظامی و امنیتی رژیم پهلوی نیز تایید شده بود.

در چهارم بهمن ۱۳۵۷ ارتش از صاف یکصد نفر که لباس نیروی هوایی به تن داشتند در میدان شهید (آزادی) خبر داد و افزود آنان فریاد می‌زدند «خمینی ما همه سرباز تویم». ارتش در همین روز گزارش داد که در نزدیکی پایگاه یکم لباس حدود سه‌هزار نفر تظاهرکننده شعار می‌دادند «عقاب آسمانها پیوندتان مبارک» و گروهی دیگر فریاد می‌زدند «ارتش حسینی شده» رهبر خمینی شده» در بین تظاهرکنندگان عده‌ای نظامی با لباس سبز حضور داشتند.

اما مهم‌ترین تظاهرات، عصر روز چهارم بهمن ۱۳۵۷ شکل گرفت. پنج هزار نفر نظامی و غیرنظامی پس از تظاهرات به سوی منزل آیت‌الله طالقانی رفتند. این افراد شامل افسران، همافران و درجه‌داران نیروی هوایی و خانواده‌هایشان بودند. در حالی که فریاد می‌زدند: «ما پرسنل هوایی هستیم، ما منتظر خمینی هستیم» با حرکت در خیابان شاهرضا هنگامی که به نزدیک پل شاهرضا در تقاطع حافظ رسیدند، مأموران نظامی با تیراندازی هوایی سعی کردند آنان را متفرق کنند ولی تظاهرکنندگان که اکثراً با لباس فرم نیروی هوایی بودند روی زمین نشستند و مأموران پس از لحظاتی تیراندازی هوایی راه را برای آنان باز کردند. آنان وارد کوچه تنکابنی شدند و پس از قرائت قطع‌نامه‌ای شش ماده‌ای، به خانه آیت‌الله طالقانی رفتند. آنان پس از نیم ساعت گفت‌وگو، متفرق شدند. از نکات قابل توجه تظاهرات نظامیان این بود که آنان کارتهای شناسایی خود را بالای

دست گرفتند و نشان دادن که ترسی از افشای اسامی شان ندارند.

در برخی از شهرها نیز گروهی از نظامیان به انقلاب پیوستند. منابع امنیتی اصفهان گزارش دادند که گروهی از پرسنل هوانیروز و درجه‌داران با لباس فرم و گروهی دیگر با لباس شخصی در سبزه میدان اجتماع کرده و با در دست داشتن تصاویر امام خمینی تظاهرات کردند.

خبرنامه اطلاعات نیز از شیراز گزارش داد که عصر روز چهارم بهمن ۱۳۵۷ بیش از دویست نفر از همافران و درجه‌داران نیروی هوایی در حالی که یونیفورمهای نظامی بر تن داشتند با حمل تصاویری از امام خمینی در خیابانهای شیراز راهپیمایی کردند.

از بوشهر هم خبر داد که عصر روز چهارم بهمن ۱۳۵۷ گروه کثیری از افسران، همافران، درجه‌داران و سربازان پایگاه ششم شکار نیروی هوایی به همراه خانواده‌هایشان در خیابانهای بندر بوشهر علیه دولت تظاهرات کردند.

۷- گسترش انقلاب در خارج از کشور: در خارج از کشور نیز مخالفت‌هایی با حکومت پهلوی شکل گرفت. در سوم بهمن ۱۳۵۷، نامه‌هایی از تسخیر سفارت ایران در پاریس خبر داد. دانشجویان با سر دادن شعار الله اکبر و سایه امام خمینی، ابتدا کنسولگری سپس سفارت ایران در پاریس را اشغال کردند و تابلوی «جمهوری اسلامی» بر سر در سفارت نصب کردند.

خبرگزاری رویتر از دهلی نو گزارش داد گروهی دانشجویان ایرانی مخالف شاه در هند سفارت ایران در دهلی نو را اشغال کردند. به گزارش رویتر در سفارت نیز تابلو «سفارت جمهوری اسلامی ایران» نصب شد.

به گزارش روزنامه آئندگان در چهارم بهمن ۱۳۵۷ سی دانشجویان ایرانی کنسولگری ایران را در حیدرآباد (جنوب هندوستان) تسخیر کردند.

گروهی از دانشجویان ایرانی در قاهره نیز دست به اعتصاب نشسته در کنسولگری ایران زدند. آنان علیه شاه شعار دادند و عکس او را پایین کشیدند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس در چهارم بهمن ۱۳۵۷ از واشنگتن گزارش داد کمیته‌ای به نام کمیته آیت‌الله خمینی در امریکا تشکیل شده است. این کمیته اعلام کرده است تمامی معاملاتی که امریکا با ایران انجام می‌دهد برای اینکه جنبه قانونی پیدا کند باید به تصویب این کمیته برسد. جلیل ضربایی که ریاست این کمیته را بر عهده دارد گفت هفته گذشته (۲۸ دی ۱۳۵۷) از طرف آیت‌الله خمینی مأمور شده‌ام که ساختمانها و مدارک سفارت ایران و کنسولگریهای تابعه به دست عوامل دشمن نیفتند. ضربایی افزود هنوز نتوانسته‌ایم مدارک سفارت را بگیریم چون اردشیر زاهدی با حمایت مأموران ساواک هنوز کنترل سفارت ایران در واشنگتن را در دست دارد.

ب) جبهه حکومت:

۱- شاه: خروج شاه از ایران و در پی آن شدت گرفتن حوادث انقلاب و مطرح شدن ورود امام خمینی به کشور، عملاً نقش سیاسی شاه در ایران را به صفر نزدیک کرده بود.

پرویز راجی در یاداشتهای خود در اول بهمن ۱۳۵۷ نوشت: «امروز شنیدم: شخصی قبل از اینکه شاه ایران را ترک کند، از او پرسیده بود: چرا از طرفدارانش نمی‌خواهد که به خیابانها بریزند و به نقش دست به تظاهرات بزنند، همان‌گونه که در مورد ژنرال دوگل عمل شد و هوادارانش در خیابان «شانزه لیزه» به طرفداری از او تظاهراتی به راه انداختند... و شاه در جواب گفته بود اشکال ندارد در این حالت که طرفداران من هم، الان در شانزه لیزه هستند.» با این حال در دوم بهمن ۱۳۵۷ خبرگزاری آسوس پیرس از آسوان گزارش داد که شاه ایران به دیدار شش روزه خود از آسوان پایان داد و در شاپور بختیار رسید. هنگام ورود شاه به مغرب تدابیر امنیتی شدیدی برقرار شد و به هیچ یک از خبرنگاران اجازه مصافحه داده نشد. یکی از مقامات رسمی دولت مراکش گفت که شاه از ما درخواست کرده است تا بزرگان را از او دور نگهداریم. درباره ورود شاه به مراکش در مطبوعات و رادیوی این کشور گزارش منتشر نشد فقط در اعلامیه کوتاهی ورود شاه اعلام گردید که از آن مشخص شد مقامات رسمی مراکش می‌خواهند از هرگونه سرو صدای تبلیغاتی درباره این سفر خودداری کنند و پادشاه مراکش به رسمیت نمی‌خواهد مدت طولانی از شاه ایران پذیرایی کند. نیویورک تایمز نیز درباره سفر شاه به مراکش نوشت: «هنگامی که بوئینگ شاه و ملکه در ۲۲ ژانویه ۱۹۷۹ در مراکش به زمین نشست ملک حسن دوم پادشاه شواز در فرودگاه بود. اما هیچ یک از احتراماتی را که انورسادات برایشان انجام داده بود، به جای نماند.»

۲- شاپور بختیار: در حالی که شاه از صحنه سیاسی کشور حذف شده بود، شاپور بختیار در تهران فعال بود. او در چند جبهه به مقابله با انقلاب پرداخت: «ارایه رایج برای فریب مردم به مجلس، ممانعت از ورود امام خمینی به کشور، و سعی در برقراری تماس با امام خمینی.

شاپور بختیار در چهارم بهمن ۱۳۵۷ ضمن ارایه دو لایحه (انحلال سازمان اطلاعات و امنیت کشور و تعقیب نخست‌وزیران و وزیران) به مجلس شورای ملی در سخنانی اعلان کرد: «من به وسیله نمایندگان مورد اعتماد خود مذاکراتی با حضرت آیت‌الله خمینی انجام داده‌ام که چون تمام نشده است، تا به نتیجه قطعی نرسد فعلاً توضیح بیشتری نمی‌دهم ولی در هیچ حال و صورتی سنگر قانون اساسی را ترک نخواهم کرد.» این در حالی بود که در ابتدای این جلسه متن نامه استعفای ۲۲ نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی قرائت شد.

شاپور بختیار برای ممانعت از ورود امام خمینی به کشور دستور داد تمامی فرودگاهها بسته

شود. در حالی که در این روزها خارجیها با هواپیما از کشور خارج می‌شدند، بختیار مدعی شد: «فرودگاهها به علت «مشکل فنی» بسته شده‌اند!»

در همین حال گری سیک در کتاب همه چیز فرو می‌ریزد درباره علت بسته شدن فرودگاهها در ایران نوشت: «در روزهای پایانی ژانویه شایعه بازگشت قریب الوقوع آیت‌الله خمینی به ایران بر سر زبانها افتاد. بختیار برای ممانعت از تحقق این شایعه فرودگاهها را بست و نشان داد برای مقابله با این که برنامه‌هایی را طراحی کرده است. یکی از برنامه‌های بختیار آن بود که هواپیمای آیت‌الله خمینی را به جزیره قسم انتقال داده، وی و همراهانش را در آن جزیره در بازداشت نگه دارد.»

پل بالتا و کلود برناردی خبرنگاران فرانسوی نیز از تهران گزارش دادند: «در حالی که خبر بازگشت خمینی سرعت در همه پایتخت پخش می‌شد، ارتش در چهارشنبه ۲۴ ژانویه (چهارم بهمن ۱۳۵۷) فرودگاه مهرآباد را خالی کرد. رفت و آمد هواپیماها معلق ماند. خمینی نمی‌توانست بیاید، یا لااقل به این سرعت.»

در سوم بهمن ۱۳۵۷ مهدی باهنر در تماس با پاریس گزارشی از تماسهای بختیار با شورای انقلاب داد. بختیار، به موجب گزارش باهنر، سه مسئله را از شورای انقلاب خواسته بود: ۱- حداقل دو ماه به او مهلت داده شود تا تمام خمینی‌نفرشان را به تهران به تأخیر بیندازند. ۲- چند پست وزارتخانه خالی است. حاضر است او را در اختیار (شورای انقلاب) بگذارد تا هر کس را مایل باشند منصوب نمایند. ۳- نظارت نسبی شورای انقلاب را هم (بر دولت) می‌پذیرد.

متن نامه شاپور بختیار به امام خمینی در جلسه چهارم بهمن ۱۳۵۷ شورای انقلاب اسلامی در منزل آیت‌الله مرتضی مطهری در تهران قرائت شد. پس از قرائت نامه بختیار در شورای انقلاب اسلامی، گفته شد که معلوم نیست اساساً امام خمینی نامه را بپذیرد.

۳- نظامیان: در بین صفوف نظامیان شکاف ایجاد شده بود و برخی از آنها را غرض به مردم پیوسته بودند؛ اما سران ارتش کماکان از حکومت پهلوی حمایت می‌کردند. در سوم بهمن ۱۳۵۷ جلسه شورای فرماندهان ارتش در دفتر عباس قره‌باغی - رئیس ستاد بزرگ ارتش - برگزار شد. در این جلسه امیر حسین ربیعی گفت درباره بازگشت خمینی باید اقدامات پیشگیرانه انجام دهیم و از فرود هواپیمای حامل او در تهران خودداری کنیم. ربیعی سه پیشنهاد داد: «۱- ره‌گیری هواپیمای حامل خمینی و منحرف کردن آن به فرودگاهی دیگر، ۲- توافق با یک کشور ثابت که حاضر شود هواپیمای حامل خمینی را ره‌گیری و منهدم کند و ۳- بستن باند فرودگاه مهرآباد.»

هایزر پس از شنیدن این پیشنهادها گفت بستن باند فرودگاه معقول‌تر است. وی در ادامه جلسه از سران ارتش سؤال کرد آیا برای به قتل رساندن خمینی طرحی تهیه شده است. اما سران ارتش

جوابی ندادند و از گروهی نام بردند که می‌توانند این کار را انجام دهند. هایزر ورود امام خمینی به ایران را به همان اندازه برای حکومت فاجعه‌آمیز دانست که شاه بخواند به ایران باز گردد.

در سوم بهمن ۱۳۵۷ خبرگزاری رویتر نیز از این مراسم گزارش داد که گروهی از سربازان گارد سلطنتی در پادگان لویزان دست به تظاهرات زدند. این سربازان در راهپیمایی خود با تانک و توپخانه ضد هوایی اعلام کردند تا آخرین قطره خون خود را برای شاه نثار خواهند کرد.

طی در اسناد سفارت آمریکا در تهران نیز آمده است که سوم بهمن ۱۳۵۷ تیپ ویژه گارد سلطنتی مهارت‌های نظامی و خشونت خود را طی نمایشی که بسیار برای آن تبلیغ شده بود، در معرض انظار گذاشت. فرمانده آنان گفته است که سربازان آماده‌اند تا آخرین قطره خون خود را برای شاه بریزند.

۴- طرح قانون اساسی: شاپور بختیار با هم‌فکری سران نظامی سعی داشت برای حکومت خود مشروعیت بر می‌گسیخت. لذا اقدام به سازماندهی تظاهرات به نفع خود کرد. در سوم بهمن ۱۳۵۷ حدود هزار نفر طرفداران قانون اساسی در سائین بدمیتون استادیوم امجدیه گرد هم آمدند و پس از گوش دادن به چند سخنرانی با فریاد «استقلال، آزادی، قانون اساسی» از سائین بدمیتون خارج شدند. آنان اعلام کردند روز پنجشنبه [۵ بهمن ۱۳۵۷] ساعت ۲ بعد از ظهر در میدان بهارستان اجتماع خواهند کرد. این سخنرانی‌ها باعث شد که در ساعات بعد از ظهر در امجدیه نگاشته بود که حدود پانزده نفر به دفتر روزنامه اطلاعات آمدند و گفتند ما از کارکنان واحدهای مختلف ارتش هستیم و به ما دستور داده شده که در اجتماع امجدیه شرکت کنیم و اگر شرکت نمی‌کردیم کار خود را از دست می‌دادیم.

اما این افراد از کجا آمده بودند و چگونه سازماندهی می‌شد؟ در سوم بهمن ۱۳۵۷ در جلسه شورای فرماندهان ارتش درباره چگونگی حمایت از دولت بختیار تظاهرات طرفداران قانون اساسی مذاکره شد. طوفانیان در این جلسه گفت باید زرتشتیها، یهودیها را با ما را برای این تظاهرات بیاوریم. من خودم عده‌ای ارمنی را جدا کرده‌ام بیایند. قره‌باغی گفت افراد درجه‌داران نباید شخصاً با لباس شخصی در این تظاهرات شرکت کنند. چون آبرویمان می‌رود. تمام کارمندان شخصی با بانوان شرکت می‌کنند. قره‌باغی افزود قرار روز پنجشنبه ساعت ۱۰ در میدان بهارستان است. در ادامه جلسه قره‌باغی گفت حتی اگر ده نفر هم بیایند باید این تظاهرات در میدان بهارستان انجام شود، ربیعی هم در این جلسه گفت عقیده دارم که اگر ارتش‌ها در این تظاهرات شرکت نکنند، شکست می‌خورد. باید ارتش با تمام قدرت و با لباس شخصی شرکت کند و کسانی که در پستهای مأموریت نیستند، همه شرکت کنند. والا شکست می‌خورد. طوفانیان در ادامه جلسه گفت

ما کارگرانمان را برای این مراسم اعزام می‌کنیم. آنها را با اتوبوس می‌آوریم. اما با این پیشنهاد مخالفت شد و گفته شد هیچ کس نباید با اتوبوس بیاید و هر کس باید خودش به محل تجمع بیاید و نباید از اتوبوس نظامی استفاده شود. در ادامه جلسه قرار شد عده‌ای نقاش، نجار و... از تسلیحات ارتش در سلطنت‌آباد مستقر شود و کارهای مقدماتی تظاهرات را فراهم کنند. محقق در ادامه جد به گفت ما یک عده از دهات اطراف می‌توانیم بیاوریم. اما قره‌باغی گفت نه! با شرکت دهاتیها تهران آبرویمان می‌رود. در تهران باید تهرانی تظاهرات کند. طوفانیان گفت من به پیمانگران گفتم باید کارگرانشان را بیاورند.

در آمریکا اسرار و مقامات دولت آمریکا، که از ۱۴ دی ۱۳۵۷ ژنرال رابرت هایزر را برای حمایت از شاپور بختیار در صورت لزوم انجام کودتا برای نجات حکومت پهلوی به ایران فرستاده بودند، به بررسی دقیق تحولات ایران به صورت فشرده می‌پرداختند. در سوم بهمن ۱۳۵۷ هایزر که روزانه با سران ارتش ایران جلسه داشت، نامه‌ای خصوصی برای الکساندرهیگ ارسال کرد. هایزر در این نامه نوشت احتمال کودتا نظامی در ایران از بین نرفته است و اگر قرار باشد اعمال گردد باید کودتا تحت مدیریت بختیار صورت گیرد؛ یعنی ارتش کنترل همه مراکز حساس (نفت، برق، آب، گمرک، بانکها و رسانه‌های همگانی) و تحت رهبری بختیار در دست بگیرد. هایزر درباره بازگشت امام خمینی به کشور نوشت مسئله‌ای است که نمی‌توان با آن مقابله کرد؛ من فکر می‌کنم در آن روز، قیام بزرگی رخ دهد و اوضاع به هم بریزد. که در نهایت باید طرح کودتای نظامی اجرا شود؛ اما با این فرق که بختیار، دیگر وجود ندارد.

در سوم بهمن ۱۳۵۷ مقامات آمریکایی به بررسی اوضاع ایران و روش‌های برخورد با آن پرداختند. برژینسکی در این باره می‌نویسد در حالی که واشنگتن و تهران درباره نحوه جلوگیری از ورود امام خمینی به ایران بحث و مذاکره می‌کردند، امام خمینی آماده بازگشت به ایران بود و با تمام شدن متهورانه و سرعت عمل، قصد داشت حریف را «مات» کند. به گفته ژنرال هایزر حرکات و اقدامات امام خمینی به حلی هوشمندانه انجام می‌گرفت که من متحیر بودم چه کسی برنامه‌ریزی آنها را انجام می‌دهد و هنوز هم پاسخ این سؤال را پیدا نکرده‌ام.

اما در این بین رمزی کلارک، وزیر پیشین وزارت دادگستری آمریکا، پس از دیدار از ایران و ملاقات با امام خمینی در نوفل‌لوشاتو به آمریکا رفت و در مصاحبه مطبوعاتی در دوم بهمن ۱۳۵۷ از قول سولیوان گفت که مردم ایران شدیداً از آیت‌الله خمینی پشتیبانی می‌کنند. کلارک افزود به نظر من بدون مشارکت آیت‌الله خمینی، هیچ‌گونه امکانی برای حل بحران ایران وجود ندارد. کلارک درباره دیدارش با امام خمینی گفت: آیت‌الله خمینی مرد بسیار باهوش، خردمند و فرزانه‌ای

هستند و کلید حل مشکلات ایران در دست ایشان است. کلارک در این مصاحبه مطبوعاتی عنوان داشت آیت‌الله خمینی از امریکا خواست که دست از حمایت بختیار بردارد. به گفته کلارک دولت بختیار جز یک شیخ نیست. کلارک افزود امریکا باید دست از حمایت بختیار بردارد زیرا ۹۹ درصد مردم ایران به خمینی رأی می‌دهند.

در سوم بهمن ۱۳۵۷ موشه دایان - وزیر امور خارجه اسرائیل - اعلام کرد حوادث ایران بر منطقه - اورمیانه اثر می‌گذارد و می‌تواند در هر کشور عرب این منطقه تکرار شود. موشه دایان افزود امریکا و تمامی کشورهای غربی باید امروز رویدادهای منطقه را دوباره ارزیابی کنند و درک کنند که خطر انهای که ما چند سال دیگر با آن سر و کار خواهیم داشت، چه خواهد شد. دایان دیگر گویای ایران را موجب دو پیامد فوری دانست که اسرائیل از یک سو بایستی یک منبع جانشین برای نفتی که از ایران دریافت می‌کرد بیابد و این کار را باید پیش از رها کردن میدانهای نفتی خلیج فارس انجام دهد و از سوی دیگر اسرائیل نمی‌تواند تنها کسی را که در رأس یک کشور است مثل مصر، اردن یا عربستان سعودی مورد توجه قرار دهد. دایان افزود چه کسی می‌تواند بگوید که ملک حسین پادشاه اردن یک روز جایش را به یک مسلمان سرسخت یا یکی از مردان سازمان آزادیبخش فلسطین نخواهد داد.

در چهارم بهمن ۱۳۵۷ نیز خیرگرسین موشه از بیت‌المقدس گزارش داد که کمیته مهاجرت پارلمان اسرائیل از مناخیم بگین، نخست‌وزیر این رژیم درخواست کرده است تا اقدامات فوری و لازم برای کمک به یهودیان ایران اتخاذ کند. این کمیته در پیانیه‌ای از بگین خواست یک دفتر مرکزی مهاجرت برای انتقال یهودیان از ایران تأسیس کند و هرکاری فرانسه تعداد یهودیان ساکن در ایران را پنجاه‌هزار نفر عنوان کرد.

رزا باقر علیان‌نژاد